خبرها

یادگار مشروطه در کشاکش مدیران سرگردان است

طرح راه‌اندازی موزه مجلس در دوره مجلس دوازدهم شورای ملی با خرید نقاشی‌های کمال‌الملک توسط ارباب کیخسرو شاهرخ، نماینده اقلیت زرتشتی در مجلس شورای ملی و بانی کتابخانه مجلس پیشنهاد شد. وی شخصاً به نیشابور رفت و برخی از تابلوهای کمال‌الملک را از او و شاگردانش برای نگهداری در مجلس خریداری کرد. در سال‌های بعد شاگردان کمال‌الملک مانند آشتیانی، اولیا، محمودی و چهره‌نگار تصاویری از روسای مجلس را به این گنجینه اهدا کردند. این موزه پس از انقلاب در سال ۱۳۷۷ به ساختمان نگارستان منتقل شد و تا سال ۱۳۸۲ دایر بود. در این سال به دلیل استقرار مجلس خبرگان در ساختمان نگارستان بر اساس تفاهم‌نامه‌ای بین این دو نهاد موزه تعطیل و پس از مدتی قرار شد در ساختمان عزیزیه (خانه ملیجک) که در فاصله میان ساختمان مشروطه و کتابخانه مجلس قرار دارد راه‌اندازی شود. ریاست مجلس شورای اسلامی در ۱۸ فروردین ماه سال جاری تأکید زیادی بر سرعت عملیات راه‌اندازی موزه کرد. «علی محمد احمدی ابهری» رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی نیز در همان زمان اعلام کرد راه‌اندازی این موزه که ابتدا قرار بود در ۲۸ اردیبهشت موزه‌ها بازگشایی شود، به ۱۴ مرداد سالروز انقلاب مشروطیت موکول شده است. دو روز بعد از آن به گزارش خبرگزاری میراث فرهنگی مسعود نصرتی مدیرکل اداره موزه‌ها از کنار کشیدن این اداره از کار راه‌اندازی موزه مجلس خبر داد. وی دلیل این امر را چنین تشریح کرد که مدیر کتابخانه مجلس در نظر دارند خودشان مراحل اجرایی راه‌اندازی موزه را بر عهده گیرند. درحالی که اداره موزه‌ها در طرح‌های مشابه همه کارهای طراحی، نظارت و اجرا را خود انجام می‌دهد. وی در آن تاریخ اظهار کرد طرح را به کتابخانه مجلس داده‌ایم تا خودشان تصمیم بگیرند. با وجود این پیشینه اخیراً در نهم خردادماه جاری ابهری رئیس کتابخانه و موزه مجلس اعلام کرده است: «ما هنوز طرح کامل شده موزه را ندیده‌ایم. اداره کل موزه‌ها از دادن طرح‌های آماده شده به ما خودداری کرده است.» اما مسعود نصرتی مدیر اداره کل موزه‌های سازمان میراث فرهنگی و گردشگری علت ارائه نکردن طرح‌ها را عدم تصویب آنها در کمیته فنی موزه‌ها دانست. «طرحی که ما در آخرین جلسه با ریاست کتابخانه مجلس ارائه دادیم، کلیات طرح بود که هنوز به تصویب کمیته فنی که وظیفه نظارت بر موزه‌ها را دارد نرسیده بود.» وی اظهار امیدواری کرد: «در هفته جاری تلاش می‌کنیم بار دیگر مذاکره‌ای با مسئولان این اداره داشته باشیم تا بتوانیم راه‌حل درستی را برای آغاز طراحی داخلی موزه مجلس بیابیم.» اما با توجه به تاخیر به‌وجود آمده به‌نظر می‌رسد موزه مجلس نمی‌تواند تا زمان مقرر یعنی ۱۴ مرداد سال جاری که همزمان با یک‌صدمین سالگرد امضای فرمان مشروطه است، افتتاح شود.

اصفهان همایش مشروطه برگزار می‌کند

میراث خبر: دکتر محمدعلی جلوگر رئیس مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل با اعلام این مطلب افزود: این همایش در یک‌صدمین سالگرد مشروطیت و به‌منظور بزرگداشت خیزش مردم اصفهان در جریان این نهضت تاریخی و همزمان با سال نکوداشت اصفهان به‌عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام برگزار می‌شود. درباره نقش تبریز و تهران در جنبش مشروطه کارهای زیادی انجام شده است اما نقش اصفهان در این نهضت فراموش شده است. اگر مشروطه سه محور داشته باشد بدون شک یکی از آنها اصفهان است که در ابعاد سیاسی، نظامی و مذهبی در پیروزی جنبش مشروطه نقش داشته است. وی افزود: پس از استبداد صغیر و به توپ بستن مجلس اصفهان در کنار تبریز در فتح تهران نقش اساسی داشته است. درباره نقش بختیاری‌ها که در آن زمان در اصفهان بودند مطالبی وجود دارد اما خود اصفهان کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

جلوگر افزود: در این همایش که با همکاری مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل و گروه تاریخ دانشگاه اصفهان برگزار می‌شود، پژوهشگران می‌توانند در چهار محور «تاریخی- سیاسی»، «فرهنگی- اجتماعی»، «اقتصادی» و «اندیشه‌ها و جریان‌های مذهبی» اصل و چکیده مقالات خود را در برنامه ورد ۲۰۰۰، به همراه دیسکت تا پایان مردادماه ۸۵ به دبیرخانه این همایش ارسال کنند. وی افزود: مقالات ارسالی باید تحقیقی، نو و مستند باشد. مقالات برگزیده ضمن ارائه در نشست‌های علمی همایش در مجموعه مقالات همایش سراسری اصفهان و مشروطیت منتشر می‌شود. از جمله موضوعات در نظر گرفته شده در محورهای چهارگانه این همایش می‌توان به انقلاب مشروطیت اصفهان به روایت اسناد، زنان و نقش آنان در انقلاب مشروطیت اصفهان، پیامدهای سیاسی انقلاب مشروطیت در اصفهان، نقش روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران در تحولات مشروطه‌خواهی، نقش دراویش و لوطیان در انقلاب مشروطه اصفهان، پیامدهای اقتصادی نهضت مشروطه‌خواهی در اصفهان، مسئله باب و بابیت در اصفهان عصر مشروطه، نقش اقلیت‌های دینی و مذهبی در انقلاب مشروطیت اصفهان، تعامل علما و روشنفکران اصفهان در عصر مشروطه، نقش علمای اصفهانی نجف در انقلاب مشروطیت و... اشاره کرد. علاقه‌مندان می‌توانند مقالات خود را به نشانی اصفهان، صندوق پستی ۱۳۴۳-۸۱۶۵۵ ارسال کنند یا برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۹- ۰۳۱۱۶۲۸۸۳۸۷ تماس حاصل کنند.

اصلاحیه

در روزنامه ۸ خرداد خبری به نقل از هفته‌نامه پیام دانشگاه صنعتی اصفهان آمده بود که از برگزاری همایش مشروطه توسط مرکز تحقیقات و توسعه علوم انسانی خبر می‌داد. در حالی که این مرکز اعلام کرد امسال چنین برنامه‌ای ندارد و تنها سال گذشته همایش برگزار کرده است.

ارتباط با صفحه مشروطه
سایت WWW.100years.ir
پست الکترونیک info@100years.ir
ارسال مقالات article@100years.ir

به سوی مدرنیسم منهای آزادی

سرتیپ محمد درگاهی

علی اکبر داور

گزارش سال ۱۳۰۷

صد سال

در آغازش این سال یکی از فرماندهان نظامی رضاخان پهلوی که در روی کار آمدن وی نقش بسزایی داشت و نیز سرکوب‌های خشن و خونین وی، ضرب‌المثل شده بود، به تیر غیب گرفتار آمد. امیر لشگر عبدالله‌خان طهماسبی هنگامی که از خرم‌آباد به سوی بروجرد می‌رفت، مورد اصابت سه گلوله تیراندازی ناشناس قرار گرفت و جان سپرد. رضاشاه با شنیدن خبر حادثه، به سوی بروجرد حرکت کرد و غلامرضاخان والی پشتکوه از ترس به بغداد گریخت!

در بهار این سال، دکتر والدر سوئیسی- رئیس بانک دولتی سوئیس- برای اداره خزانه‌داری کل ایران استخدام شد و نیز دکتر کورت لیندنبلات آلمانی برای ریاست نخستین بانک ملی ایران قراردادی را در برلن امضا کرد. در این سال شاهد آن هستیم که آهسته‌آهسته نظامیان به فرمان رضاخان وارد هیات دولت می‌شوند، سرتیپ حبیب‌الله خان شیبانی که رئیس ارکان حرب بود، به‌عنوان وزیر فواید عامه به مجلس معرفی شد. در این سال، جلد اول قانون مدنی ایران که شامل ۹۵۵ ماده بود، در مجلس ششم به تصویب رسید. این مجموعه قوانین در کمیسیونی به ریاست علی‌اکبر داور- وزیر عدلیه- و با شرکت سیدمحسن صدر- صدرالاشراف- حاج سیدنصرالله تقوی، حاج سیدمحمد فاطمی قمی، مصطفی عدل- منصورالسلطنه- شیخ علی‌بابا عالم، سیدکاظم عصار و شیخ محمدعلی کاشی تهیه و تنظیم شده بود. تهیه‌کنندگان قانون مدنی ایران از کتاب‌های معتبر فقهی از جمله «شرایع‌الاسلام»، «شرح لمعه» و «جواهر» استفاده کرده بودند. همچنین در این سال طبق قوانین جدید عدلیه، وکالت دادگستری منوط به گرفتن جواز و پروانه وکالت شد. در بهار این سال، پس از پایان مهلت یک‌ساله به طور رسمی قانون کاپیتولاسیون - قضاوت کنسولی- در ایران لغو شد. به همین مناسبت در سراسر کشور مجالس جشن و چراغانی برپا شد. نمایندگان سیاسی انگلستان و فرانسه با حضور در وزارت امور خارجه ایران، عهدنامه‌های جدیدی براساس الغای کاپیتولاسیون امضا کردند. نخستین جشن الغای کاپیتولاسیون، از طرف مطبوعات ایرانی برپا شد. مدیریت این جشن با فرخی‌یزدی مدیر روزنامه توفان شاعر آزاده ایرانی بود. تیمورتاش وزیر دربار تلاش می‌کرد تا بین او و رضاشاه صلح و سازشی برقرار کند. نخستین آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی نیز در این سال به همت سرتیپ محمدخان درگاهی رئیس نظمیه کل کشور تهیه و تنظیم شد. در این سال ۴۹۰ دستگاه اتومبیل شخصی، ۱۰۹۹ دستگاه اتومبیل کرایه و ۴۵۹ درشکه کرایه‌ای در تهران وجود داشت. قانون اعزام محصل به خارج از کشور نیز از قوانینی بود که در این سال به تصویب رسید. طبق این قانون، دولت موظف شد همه‌ساله یک‌صد نفر محصل را به هزینه خود برای انجام تحصیلات عالیه به اروپا بفرستد. انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای ملی در تابستان این سال پایان پذیرفت و از تهران چهره‌های جدیدی به وکالت رسیدند. مدرس در شمارش آرا حتی یک رای هم نداشت. وی پس از اعلام شمارش آرا، با طنزی گزنده گفت ممکن است که حتی اعضای خانواده من به من رای نداده باشند، اما خودم که به خودم یک رای دادم، آن یک رای من کجاست؟! چهره‌های خوشنامی همانند مستوفی‌الممالک و موتمن‌الملک و مشیرالدوله نیز که از تهران انتخاب شده بودند، نمایندگی را نپذیرفتند و محترمانه اعلام کناره‌گیری کردند. آنان نیک می‌دانستند که مجلس، دیگر آن نهاد دموکراتیک منتخب مردم نیست!

از دیگر مصوبات مجلس در این سال، قانون انحصار تریاک بود. به موجب این قانون معاملات و نگهداری و حمل‌ونقل و صدور تریاک و شیره در داخل و خارج کشور، منحصر به دولت بود. به دنبال اجرای این قانون، کلیه تریاک‌های موجود در کشور توقیف شد و از روز شنبه ۳۰ تیرماه، هر مثقال تریاک دو قران و ده‌شاهی باندرول شد. همچنین در این سال، قانون اصول محاکمات و مجازات نظام- قوانین لشگری- و قانون اصول تشکیلات جدید وزارت عدلیه که پس از تجدیدنظر و اصلاحاتی از طرف علی‌اکبر داور- وزیر عدلیه- به مجلس تقدیم شده بود، به تصویب رسید. در میانه این سال به حسین علاء سفیر ایران در پاریس دستور داده شد که پانزده نفر معلم فرانسوی برای تدریس در مقطع متوسطه ایران استخدام کند. اصلاحاتی نیز در نظام آموزشی کشور انجام گرفت. به دستور میرزاعیسی‌خان صدیق، دکتر عیسی صدیق- وزیر بعدی و موسس دانشگاه تهران- که در آن هنگام رئیس اداره تعلیمات عمومی بود، تشکیلات مدارس متوسطه تغییر یافت و دوره دوم متوسطه به سه رشته علمی، ادبی و تجارتی تقسیم شد.

وزارت معارف اعلام کرد از مهرماه این سال تعداد مدارس متوسطه در تهران- غیر از دارالمعلمین عالی- هشت مدرسه و تعداد مدارس ابتدایی نیز سی مدرسه شده است. همچنین در این سال، ده نفر دانشجو از طرف وزارت فواید عامه برای تحصیل در رشته‌های راه‌آهن، معادن و ذوب‌آهن به پاریس فرستاده شدند. همچنین وزارت معارف برای کمک به محصلین بی‌بضاعت اعلام کرد از این پس به دانش‌آموزان کم‌درآمد دوره عالی دوازده تومان و به دانش‌آموزان کم‌درآمد دوره دوم متوسطه هشت تومان در ماه، کمک‌هزینه تحصیلی خواهد پرداخت. نخستین گروه دانشجویان ایرانی که صد و ده‌نفر بودند، در مهرماه این سال برای تحصیل در رشته‌های مختلف راهی اروپا شدند. در میان آنان می‌توان کسانی را یافت که بعدها منشاء اثرات بزرگی در تاریخ ایران شدند. کسانی مانند دکتر کریم سنجابی، دکتر سیدعلی شایگان، دکتر لطفعلی صورتگر، مهندس غلامعلی فریور، مهندس عبدالله ریاضی، مهندس مهدی بازرگان، خلیل ملکی و دکتر رضا رادمنش را می‌توان در میان آنان نام برد. در ۱۶ مهرماه این سال، ناگهان سرتیپ محمد درگاهی- مشهور به محمد چاقو- رئیس نظمیه پهلوی، همراه با چند تن از افسران و درجه‌داران نظمیه وارد خانه سیدحسن مدرس روحانی دلیر و آزاده و نماینده دوره‌های پیشین مجلس شد تا او را دستگیر کند. میان مدرس و درگاهی زدوخوردی شد و چون تعداد مهاجمین بیشتر بود، مدرس به شدت زخمی شد.

او را کشان‌کشان از خانه بیرون بردند و پس از سوار کردن بر اتومبیلی، یک‌سره تا شهر خواف- مرز ایران و افغانستان در خراسان- بردند و به زندان نظمیه آن شهر سپردند! همراه با دستگیری مدرس، همه اعضای خانواده او و حتی خدمتکارش را نیز دستگیر و در نظمیه زندانی کردند! رضاشاه پهلوی نیز سرمست از باده پیروزی، برای بازدید و افتتاح راه خوزستان- خرم‌آباد، دزفول، خرمشهر- راهی آن دیار شد. در پی تغییرات دامنه‌داری که در عدلیه و با همت علی‌اکبر داور روی می‌داد، یکی هم تشکیل کلاس‌هایی بود که به منظور تعلیم و تربیت کادر قضات و کارکنان قضایی سازماندهی شده بود.

در آذرماه کلاس قضایی با ۷۳ دانشجو آغاز به کار کرد. وزیر عدلیه و عده‌ای از قاضیان عالی‌رتبه در این کلاس تدریس می‌کردند. کلاس ثبت اسناد نیز که ۱۵۰ دانشجو داشت، در حضور وزیر عدلیه گشایش یافت. همچنین داور براساس اختیارات خود، یک محکمه عالی برای رسیدگی تخلفات قضات تشکیل داد و آن را «محکمه انتظامی قضات» نامید. در این سال مدرسه عالی فلاحت- دانشکده کشاورزی- در کرج آغاز به کار کرد. چند کارشناس خارجی در این مدرسه تدریس می‌کردند. قانون دفاتر اسناد رسمی که دارای ۲۰ ماده بود، در این سال برای اجرا به دولت ابلاغ شد. لایحه منع فروش برده نیز به قید دو فوریت در مجلس تصویب شد و نیز قانون بحث‌برانگیز لباس متحدالشکل در این سال به تصویب رسید که در آینده‌ای نه چندان دور، تنش‌های اجتماعی در پی داشت. در این سال نیز رضاخان پهلوی برخی از فرماندهان نظامی تندرو و سرکشان محلی را گوشمالی داد. امیرلشگر محمودخان آیرم فرمانده سپاه جنوب به دلیل رفتار ستمگرانه با عشایر فارس و گرفتن رشوه به تهران فراخوانده شد و به زندان افتاد. دوست محمدخان بلوچ نیز که در بلوچستان سرکشی و یاغیگری می‌کرد، به دست نیروهای دولتی گرفتار آمد و پس از دستگیری، مورد عفو قرار گرفت. در پایان این سال نیز شورش عشایر ایل قشقایی در فارس برپا شد. آنان خواهان آزادی صولت‌الدوله رئیس ایل و عدم خلع سلاح قشقایی شدند و نیز در اعتراض به قانون لباس متحدالشکل و قانون نظام وظیفه اجباری برای جوانان قشقایی اطراف شیراز را محاصره کردند.

اولین رئیس مجلس

صد چهره

محمود فاضلی: مرتضی قلی‌خان صنیع‌الدوله در سال ۱۲۷۳ ه ق در تهران متولد شد. وی تحصیلات خود را در مدرسه دارالفنون گذراند و از آنجایی که وی از همان دوران کودکی علاقه خاصی به کارهای صنعتی داشت، مخبرالدوله وی را راهی آلمان کرد تا در این زمینه به تحصیل اشتغال ورزد. در سفر دوم ناصرالدین شاه به اروپا نقش منشی و مترجم شاه را ایفا کرد. وی پس از بازگشت به ایران مورد تشویق شاه قرار گرفت و وارد کار دولتی گردید. پس از کناره‌گیری اتابک در سال ۱۳۲۴ ه ق در زمان سلطنت مظفرالدین شاه قاجار کابینه‌ای تشکیل گردید که ریاست آن را مخبرالدوله عهده‌دار بود در این کابینه صنیع‌الدوله به وزارت خزانه منصوب شد. وی به دستور شاه برای خرید کشتی به انگلستان رفت و اقدام به خرید کشتی جنگی جدید که به توپ‌های سنگینی مجهز بود نمود و پس از آن به نام «کشتی مظفری» نامیده شد. صنیع‌الدوله از آنجایی که تحصیلکرده اروپا و از طرفی نیز داماد شاه بود طبعاً طرف مشورت شاه قرار می‌گرفت.

پس از سفر اول مظفرالدین شاه به فرنگستان وی به فکر ایجاد حکومت قانونی و تاسیس پارلمان بوده است و صنیع‌الدوله جزء مستشارانی بوده است که همواره در مواقع مقتضی لزوم این کار را به شاه یادآور می‌شده است. پس از فرمان مشروطیت صنیع‌الدوله به ریاست مجلس انتخاب گردید، در این برهه از زمان که مردم با مشروطه و مجلس آشنا نبودند وظیفه رئیس مجلس کاری دشوار بود و بسیاری از نمایندگان با وظیفه نمایندگی و حدود اختیارات مجلس بیگانه بودند و در حقیقت نمی‌دانستند، چه باید انجام دهند. دولت و رجال مستبد نیز به آسانی حاضر نبودند از اختیارات آنها کاسته شود. آنها انتظار داشتند که مجلس فقط به قانونگذاری بسنده کند و در امور اجرایی و سیاسی کشور دخالتی نداشته باشد. در چنین شرایطی صنیع‌الدوله زمام امور مجلس را به‌دست گرفت و با کمک برخی از نمایندگان تحصیلکرده و آزادی‌خواه توانست نمایندگان را نسبت به وظایف خود آگاه ساخته و رجال مغرور را در برابر قدرت مجلس وادار به تمکین و اطاعت نماید. وی همچنین در سال ۱۳۲۴ به همراه جمعی دیگر اولین نظامنامه انتخابات براساس انتخابات طبقاتی را تنظیم نمود.

گفته می‌شود مجلس و شخص صنیع‌الدوله و تعدادی دیگر مانع هزینه‌های اضافی و غیرضروری می‌شدند. وی در اداره مجلس مسلط بود و تلاش داشت دموکراسی جدیدی را تجربه نماید و می‌کوشید تا زمانی که اتابک به ایران آمد و دوره سوم رئیس‌الوزرایی خود را آغاز کرد توانست تا حدودی بر اوضاع مسلط شود. ماجرای قتل اتابک موجی از وحشت در بین رجال پیش آورد تا آنجایی که صنیع‌الدوله نیز تهدید به قتل شده بود. در سال ۱۳۲۵ ه ق ضمن آن‌که در مجلس حاضر نشد زیر بار اصرار تقاضای اکثریت نمایندگان مبنی بر عدم استعفا از مقام ریاست مجلس نرفت تا با استعفای وی موافقت به عمل آمد. وی در سال ۱۳۲۷ چندین بار تهدید به قتل شد و به اتفاق مخبرالملک، مخبرالسلطان و صدیق حضرت به سفارت انگلیس رفت و به مدت دو هفته در آنجا تحصن کرد. وی در سال ۱۳۲۹ توسط دو ضارب روس کشته شد. اما با توجه به قانون کاپیتولاسیون نمایندگان روس به همراه چند قزاق روس آنها را از وزارت خارجه ایران تحویل گرفته و بدون هیچ‌گونه تحقیق و محاکمه‌ای از ایران خارج و به روسیه فرستادند.

علما قسم می‌خورند

۷ خرداد ۱۲۸۵

صد روز

مهدی محمودیان: بعد از انتشار شایعه رشوه دادن روس‌ها به مرحوم طباطبایی و ملاقات محرمانه بهبهانی با عین‌الدوله و پخش شب‌نامه‌هایی علیه آنان، مردم نسبت به علما و روحانیون بدبین شده بودند. این بدبینی به‌حدی بود که روحانیون در جهت تبرئه خود از این اتهامات دست به اقدامات توضیحی زدند. آنها در محافل خصوصی از این‌گونه مسائل تبری می‌جستند. اما گسترش این اتهامات چنان بود که آقایان مجبور شدند در محافل عمومی نیز از این موارد اعلام برائت کنند. طباطبایی با آن‌که در صداقت و پاکی‌اش نمی‌توان کوچکترین شک و تردیدی وارد کرد در چنین روزی طی سخنرانی در مسجد سنگلج ضمن برشمردن اهداف مبارزه و جنبش و تکرار درخواست‌هایشان از این اتهامات تبری جست. وی با بالابردن قرآن و با چهره‌ای معصومانه و متاثرکننده گفت: «ای مردم اگر مرا مسلمان و اولاد پیغمبر می‌دانید به این قرآن قسم که من از عین‌الدوله و یا روس‌ها پول نگرفته‌ام و با او ابداً رابطه‌ای ندارم و منظوری جز خدمت به خلق و تاسیس عدالت و مجلس نمایندگان ملت ندارم و باز به قرآن قسم می‌خورم که تا جان در بدن دارم بر ضد دشمنان مملکت و ظالمین مجاهدت و جانفشانی کنم ولو اینکه در این راه کشته شوم.» آقای طباطبایی که می‌دانست عین‌الدوله با هدف تفرقه‌اندازی دست به این اقدامات می‌زند برای اینکه این اقدامات تفرقه‌افکنانه عین‌الدوله را خنثی نماید به دفاع از بهبهانی پرداخت و گفت: «آقای بهبهانی نیز برای جلوگیری از خونریزی و تلف شدن مسلمانان با عین‌الدوله ملاقات کرده است.» بهبهانی هم برای تبرئه خود از اتهاماتی که به وی وارد شده بود در روز جمعه گذشته بالای منبر رفت و مستبدین و طرفدارانش را دشمن ایران و اسلام خواند و چندین بار قسم یاد کرد که تمام تلاش‌ها و اقداماتش برای منافع عمومی و تحصیل عدالتخانه است و در این راه حاضر است از جان خود و فرزندانش نیز بگذرد.

عین‌الدوله

ایران یکصد سال پس از مشروطیت

انقلاب مشروطیت ایران در مردادماه سال ۱۳۸۵ صدساله می‌شود بدون آنکه به همه آرمان‌هایش رسیده باشد. در حقیقت تحقق آرمان‌هایی چون حاکمیت قانون، آزادیخواهی، عدالت‌طلبی و مردم‌سالاری در جامعه ایران هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. همین ابهام این پرسش را میان نخبگان ایرانی مطرح می‌کند که آیا یکصد سال پس از پیروزی انقلاب مشروطیت، تلاش‌های آزادیخواهانه و عدالت‌طلبانه ملت ایران به نتیجه رسیده است؟ آیا با وجود یکصدسال سابقه نهاد پارلمان دغدغه برگزاری انتخاباتی آزاد و عادلانه و سالم از بین رفته است؟ آیا با وجود یکصد سال سابقه آرمان عدالتخانه استقلال قوه قضائیه تحقق یافته است؟ آیا با وجود یکصدسال سابقه فعالیت‌های حزبی، احزاب پایدار و نظام حزبی مناسب برای سیاست‌ورزی و «حکمرانی خوب» شکل گرفته است؟ آیا با وجود نهضت تاریخی ملت ایران در یکصدسال قبل، مفهوم حاکمیت ملی و اینکه «حکومت ودیعه‌ای است الهی که از سوی مردم به حاکمان تفویض می‌شود» مورد تردید قرار نمی‌گیرد؟ آیا کشور در مسیر توسعه همه‌جانبه و پایدار قرار دارد و... ؟ برای بررسی پرسش‌های فوق جمعی از احزاب، نهادهای مدنی و مطبوعات غیردولتی بر آن شده‌اند که از سر تجربه و تأمل به یکصدسال تلاش آزادیخواهانه، عدالت‌طلبانه و توسعه‌خواه ایرانیان نگاهی فراتر از تاریخ‌نگاری روایی بیندازند و مجالی برای اندیشه در پرسش‌هایی که نمونه آنها ذکر شد، ایجاد کنند. برگزارکنندگان این همایش که فراخوان اولیه خود را در دی‌ماه سال گذشته منتشر کرده‌اند، تصمیم دارند بدون تبلیغ و ترویج مرام و راهبرد سیاسی مشخصی در بازخوانی مبارزات یک قرنه ملت ایران، سهم خود را ادا کنند. همایش «ایران، یکصدسال پس از مشروطیت؛ تجارب گذشته- چشم‌انداز آینده» که تلاشی است برای تأمل در تاریخ ایران‌زمین در مردادماه ۱۳۸۵ در تهران برگزار خواهد شد و به تحلیل علل کامیابی و ناکامی تجربه‌های آزادیخواهی، استقلال‌طلبی و عدالت‌جویی معاصر ایرانیان از انقلاب مشروطه و نهضت ملی شدن صنعت نفت تا انقلاب اسلامی و جنبش اصلاحی می‌پردازد. بنابراین این همایش بیش از آنکه در پی ارائه نسخه برای تغییر تاریخ باشد، کوشش خواهد کرد به طرح پرسش‌های بنیادین درباره علل کامیابی‌ها و ناکامی‌های یکصدسال تلاش زن و مرد ایرانی بپردازد و آن را فرا راه آینده قرار دهد.

بدین منظور از همه اساتید، دانشمندان، علما، صاحب‌نظران، متفکران و روشنفکران برای ارائه مقاله در این همایش دعوت می‌شود. موضوع مقالات و گفتارها با توجه به‌عنوان پرسش‌های این فراخوان خواهد بود. بخشی از مقالات در همایش ارائه و برخی در کتاب همایش منتشر خواهد شد. سپاسگزار خواهیم بود خلاصه مقالات خود را تا پایان خردادماه ۱۳۸۵ به نشانی: تهران، خیابان آفریقا، بلوار گلشهر، شماره ۴۶
یا نمابر ۲۲۰۵۳۳۶۸
یا پست الکترونیکی
www.100years.ir
info@100years.ir
article@years.ir
ارسال کنید و اصل مقالات را تا پانزدهم تیرماه ۱۳۸۵ به همین نشانی ارائه فرمایید. دبیرخانه همایش از ساعت ۹ تا ۱۴ هر روز با شماره تلفن ۲۲۰۳۴۵۶۸ آماده پاسخگویی به پرسش‌ها و دریافت دیدگاه‌ها و نظریات شما است.

دبیرخانه همایش
ایران، یکصدسال پس از مشروطیت
تجارب گذشته، چشم‌انداز آینده

نگاه

سیاست‌زدگی مشکل روشنفکر ایرانی

رضا کاظمی*

صد نکته

روشنفکری در جامعه ایران با انقلاب مشروطه آغاز شد. خصلت اصلی این جریان چپ و اندیشه چپ بود و گروه‌های مختلف مثل «ملیون و مذهبیون» به این جریان نزدیک شدند، که در پرتو گرایش غالب چپ جهانی شکل می‌گرفت. شرایط انقلاب مشروطه زمینه‌ای برای پیدایش تک‌روشنفکرانی شد که پایبند به آرمان‌های اجتماعی و سیاسی و انسانی بودند. در عرصه ادبیات و نیز تحقیقات تاریخی، فرهنگی فعالیت خلاقی از خود نشان دادند، فعالیتی که حتی نظام شاهنشاهی نیز نتوانست به سرعت آن را به زوال بکشاند. اما از شهریور ۱۳۲۰ به بعد جریان فعالیت خلاق روشنفکری رو به ضعف و افول نهاد.

این فعالیت در امتناع از اندیشه و به صورت باورهای ایدئولوژیکی شده سیاسی اجتماعی و تقلید و الگوبرداری متجلی شد، که در عرصه عمل، حاصلی جز عملگرایی صرف و روزمرگی نداشت. از آغاز رویارویی جامعه ایران، با پدیده تجدد، مفهوم روشنفکری آنگونه که «عباس میلانی» اشاره کرده، با نوعی «سیاست‌زدگی» همراه شد. گویی تنها کسانی به جرگه روشنفکری راه می‌یافتند که آثار سیاسی نوشته باشند و ملاحظات اجتماعی محور بارز آثارشان بوده باشد. بدون شک این واقعیت ریشه‌های گوناگونی داشت. فقدان فضای باز و دموکراتیک به همه چیز رنگ سیاسی می‌زند، هرگونه تلاش اجتماعی، به نوعی رادیکالیسم سیاسی می‌انجامد، که تسخیر قدرت سیاسی هدف نهایی آن است. روشنفکران با شرکت در بازی‌های سیاسی و دخالت در امور سیاسی، ردای روشنفکری را برازنده قامت خود ساختند. این مفهوم از روشنفکری بیشتر از سنت فکری روسیه وام گرفته شده است، در حالی که متفکران روسی آن مفهوم را از سنت عصر روشنگری اروپا وام گرفته بودند [عباس میلانی، ص ۲۷۰]، سنجه داوری درباره این میدان‌داران عرصه سیاست، نه صلابت و درایت نظری، که بیشتر رشادت سیاسی‌شان بود. آنها بزرگترین یا علت‌العلل مشکلات جامعه را نظام سیاسی حاکم بر آن می‌دانستند و می‌کوشیدند راه‌حل سیاسی و خیلی فوری برای آن پیدا کنند. روشنفکران بر این تصور بودند، که اگر نظام سیاسی تغییر کند مشکلات جامعه حل خواهد شد. به همین جهت در تحول صد ساله اخیر، بسیار پراگماتیک عمل کردند و به فاکتورهای رشد، نگاهی عملگرایانه داشتند.

بیشتر استبداد سیاسی را هدف مبارزه خود قرار دادند تا حل بحران، مسائل و مشکلات ایران را از طریق راه‌حل سیاسی بجویند و نگران فقدان یک اندیشه نو و فرهنگ نو، همگام با تکنولوژی نباشند. به همین جهت اندیشه اجتماعی، فلسفی در درون فرهنگ مدنیت فرصت بالیدن نیافت. روشنفکران در طول صد سال اخیر در بحث شکاف‌های فرهنگی «ملی ـ مذهبی ـ غربی» دچار افراط و تفریط شدند، که نشان از عدم درک سنت‌ها و ارزش‌های جامعه بود. از این رو جلال آل‌احمد روشنفکران را غرب‌زده می‌خواند، که گرفتار عارضه‌ای از بیرون شده‌اند. الگوبرداری از غرب، بدون توجه به ریشه‌دار بودن سنت‌های مذهبی و فرهنگی در جوامعی نظیر ایران پیامدهایی داشت. گرته‌برداری از الگوی زیستی غرب به عدم پاسخگویی به نیازها و مسائل و عدم توجه به تفاوت‌ها می‌انجامید و ما را به تحلیل غیرواقع‌بینانه سوق می‌داد. روشنفکر در ایران سیاست‌زده است و سیاست‌زدگی آن را بیش از اندازه به آرمان‌گرا تبدیل کرده و همه را سیاه سیاه یا سفید سفید می‌بیند و رنگ خاکستری را به عنوان بازتاب درونی پدیده‌ای واقعی نمی‌تواند ببیند و درک کند. حقیقت را در گرایش مطلق آن می‌فهمد، درست درست است و غلط غلط، هیچ رابطه‌ای وحدت و تضادی میان اینها نیست، هر چیز چنان است که هست.

آرمان‌گرا است چون به دنبال یک حکومت آرمانی است. کمتر نظریه‌پردازی می‌کند و کمتر به تاریخ ارج می‌گذارد. در یک سو بازی سیاست است و سوی دیگر را که اندیشه و شناخت است از میدان به در می‌کند. به نوعی آسان‌گیری و شتاب‌زدگی مبتلا است و همه چیز را با یک چشم به هم زدن می‌خواهد. چنین تصور می‌کند که با انقلاب سیاسی و تغییر یک حکومت، آرمان تاریخ ما شروع خواهد شد.

حال آنکه یک انقلاب سیاسی نمی‌تواند جلوی زیست تاریخی و ریشه‌دار آنها را بگیرد. جابه‌جایی قدرت‌های سیاسی در ایران در طول چند دهه گذشته، نشان از آن دارد که تغییرات در نهادهای دولتی و تحول در شعارهای سیاسی و حتی ایدئولوژی حاکم کافی نیست تا نفوذ جان‌سخت نهادهای پایه‌ای که عمر طولانی و تاریخی دارند را از میان بردارد. تغییر وضع حال فرهنگی بسیار دشوارتر و کندتر از آن است که در نگاه نخستین به نظر آید. با این وجود نه ساخت و بافت اندیشه روشنفکر که موضع سیاسی او در نفی و طرد وضع موجود است و به نوعی خصومت و عدم تحمل رقیب کشیده می‌شود. و فقط حرف خودش را می‌زند و تنها حاضر است حرف خود را از زبان دیگران بشنود. روشنفکر سیاست‌زده تجویزگر است. تجویزگری از خصایص بسیار بارز ذهنیت استبدادزده روشنفکران در برابر مردم است. روشنفکر خودمدار تجویزگر کسی است، که به جای مردم می‌اندیشد و به جای آن تصمیم می‌گیرد و این تصمیم را به آنان تجویز و ابلاغ می‌کند. از این روی بیش از آنکه به دیگران بیندیشد، از دنیای مداربسته یک زندگی بسیار محدود و تنگ خصوصی صحبت می‌کند و ارتباطی با جامعه ندارد. این یکی از مهمترین نقایص فعالیت روشنفکری ایران است. در زمینه اعتقادات، روشنفکران خودمدار پس از شکست روند تاریخی تجددخواهی به سوی اخلاق کاسبکارانه گرایش یافتند. گرایش کاسبکارانه به هر چیز از منظر تاثیری که در مطلوبیت واقع‌شدنی شخصی‌اش دارد برخورد می‌کند. برای او آگاهی و دانش به عنوان کالا مطرح بوده و موضوع آن تامین اعتبار «مطلوبیت» بالانشینی است. تلاش در مطلوب‌خواهی او را وامی‌دارد تا مخاطبین خود را به «شیء» تبدیل کند. اخلاق نوچه‌پرورانه نشان چنین امری است. [خودمداری ایرانیان، حسن مرادی] خلاء سازمانی ـ پراکندگی ـ چندپارگی حاکم بر این جریان نیز پیامد طبیعی این عارضه است. با وجود این خصوصیات روشنفکری که برشمردیم روشنفکر ایرانی در هاله‌ای از تقدس به سر می‌برد و هیچ تعامل و یا کنش اجتماعی را برنمی‌تابد. همین امر باعث شده است در موضوع رویکرد به امور شناختی و ارزشی به طور عمده نتواند در مقام سوژه قرار گیرد و در برابر عینیت خاص جامعه ایران، «به ذهنیت سوبژکتیویته» مستقل و خلاق فردی متناسب با شرایط ایران نائل آید. البته باید از کار و فعالیت‌های روشنفکران اصیل ایرانی با سربلندی و احترام یاد کرد و به قولی تعلق خاطری هم به آنان داشت، اما واقعیت این است که می‌بینیم.

* از ف